مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران
سال بیستم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۵۰-۳۷

تحلیل ذی نقشان تدوین سبدهای غذایی مطلوب و مقرون به صرفه پایدار ایران-۱۴۰۲

زهرا ویسی[۱]، فرزانه شهردمی[۲]، فاطمه محمدی نصرآبادی[۱]، مرتضی عبدالهی[۱]، آناهیتا هوشیارراد[۱]، مونا پورقادری[۳]،زهرا عبداللهی[۴]، آزاده دهقانی[۵]

۱- انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- نویسنده مسئول: گروه تغذیه جامعه، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. پست الکترونیکی: f.shahrdami@gmail.com

۳- مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

۴- دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران

۵- نویسنده مسئول: مرکز تحقیقات ریزمغذی ها، پژوهشکده بیماری های غدد، پژوهشگاه علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. پست الکترونیکی: azadehdehghani68@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۹

چکیده

سابقه و هدف: سبدهای غذایی توسط سیاست‌گذاران به عنوان مرجعی برای تدوین راهکارهای مسائل مربوط به غذا و ترویج گزینه های غذایی مطلوب مورد استفاده قرار می گیرند. فرآیند تحلیل ذی‌نقشان به عنوان یکی از مراحل اساسی برای تهیه و تدوین سبدهای غذایی می‌تواند در حمایت طلبی سیاست‌گذاران و افراد جامعه کمک کننده باشد، زیرا در طی این مسیر، موانع و فرصت‌های نهفته در هر سازمان ذی‌نقش علاوه بر قدرت، موضع و تاثیر آنها شناخته می‌شوند. هدف این مطالعه، شناسایی ذی‌نقشان سیاست سبدهای غذایی مطلوب، مقرون‌به‌صرفه و پایدار برای جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۲ است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه، یک مطالعه کیفی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Maxqda10 نسخه ۲۰۲۰ صورت پذیرفت. با استفاده از پروتکل راهنمای تحلیل ذی‌نقشان اشمیر، علاوه بر میزان دانش و آگاهی ذی‌نقشان، ویژگی‌هایی همچون قدرت، موضع و تأثیر هر یک از ذی‌نقشان و منافع یا نقش‌های متعدد آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در بین ذی‌نقشان مورد مطالعه، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور و دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، با داشتن قدرت و آگاهی زیاد، موضع حمایتی نسبت به تدوین سیاست داشتند. دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی و دانشگاه علوم پزشکی تهران با داشتن قدرت متوسط، موضع حمایتی داشتند. در این میان، هیچ‌کدام از ذی‌نقشان از سطح آگاهی و دانش کم برخوردار نبوده و موضع ممانعت‌کننده نداشتند و همگی به نوعی از سیاست مدنظر حمایت کرده بودند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که اغلب ذی‌نقشان کلیدی در حوزه سلامت و تغذیه، از جمله انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای، دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی، با داشتن قدرت، آگاهی و موضع حمایتی، ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست تدوین سبدهای غذایی مطلوب، مقرون‌به‌صرفه و پایدار را دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده هدفمند از تحلیل ذی‌نقشان پیش از تدوین سیاست‌های تغذیه‌ای، می‌تواند به بهبود هماهنگی بین سازمانی و افزایش احتمال موفقیت سیاست‌ها کمک کند. بر همین اساس، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران پیش از تدوین یا بازنگری سبدهای غذایی، تحلیل دقیق ذی‌نقشان را در فرآیند تصمیم‌گیری خود بگنجانند.

واژگان کلیدی: ذی‌نقشان، سبد غذایی مطلوب، سبد غذایی مقرون به صرفه، سبد غذایی پایدار، ایران

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

پیام‌های اصلی

- سبدهای غذایی ابزارهای مهمی برای سیاست‌گذاران هستند تا بر پایه آن در مورد مسائل مرتبط با غذا و انتخاب‌های سالم با توجه به عوامل تغذیه‌ای، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی برنامه ریزی کنند و نیازمند به‌روزرسانی دوره‌ای هستند.
- تحلیل ذی‌نقشان مرحله‌ای کلیدی در تدوین سیاست‌های غذایی مؤثر، مقرون به صرفه و پایدار در شرایط پیچیده اجتماعی و اقتصادی ایران است که میزان دانش، قدرت، موضع و منافع هر ذی‌نقش را شناسایی کرده و به رفع موانع و شناسایی فرصت‌ها، تقویت همکاری بین‌سازمانی و موفقیت سیاست‌ها کمک می‌کند.
- ذی‌نقشان اصلی تدوین سبد مانند انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور و دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت دارای قدرت، آگاهی و موضع حمایتی قابل توجهی بودند. سایر ذی‌نقشان دارای قدرت کمتر، اما همگی حمایتی بودند و اجماع در خصوص اهمیت سبدهای غذایی مطلوب، مقرون به صرفه و پایدار وجود داشت.
- چالش‌هایی در هماهنگی ذی‌نقشان به دلیل اولویت‌ها و منابع متفاوت وجود دارد که تقویت نقش وزارت بهداشت به عنوان هماهنگ‌کننده مرکزی توصیه شد.

• مقدمه

سبد غذایی سالم یا مغذی نشان دهنده آن است که افراد درگروه های درآمدی مختلف چه ترکیبی از مواد غذایی را مصرف کنند تا علاوه بر کسب رضایت، سیری سلولی نیز در آنها تأمین شود(۱). در واقع، سبدهای غذایی مطلوب بر اساس اطلاعات جدید درباره مقادیر توصیه‌شده روزانه انرژی و مواد مغذی، الگوی مصرف غذایی، عادات غذایی، رفتار مصرف‌کنندگان و تغییر قیمت مواد غذایی، به صورت دوره‌ای به‌روز می‌شوند. این سبدها با در نظر گرفتن ترجیحاتی مانند فرهنگ جامعه، در دسترس بودن مواد غذایی و ملاحظات سلامتی، می‌توانند مبنایی برای تخمین نیازهای غذایی و تغذیه‌ای باشند (۲).

از طرفی هماهنگی میان الگوهای تولید، عرضه و مصرف به منظور تامین نیازهای تغذیه ای یکی دیگر از اهداف سیاست تدوین سبد غذایی مطلوب می باشد، لذا استفاده از آن می تواند به عنوان مرجع و ابزاری برای تدوین سیاست های غذا و تغذیه، برنامه ریزی های اجرایی و ارزشیابی عملکرد برنامه ها در جهت حفظ سلامت تغذیه ای جامعه باشد (۳). همچنین، از کاربردهای این سیاست می توان به تعیین خط فقر، حداقل حقوق کارگران و نیز طراحی سبدهای حمایتی اشاره کرد (۴).

برنامه غذایی مقرون به صرفه (TFP: Thrifty food plan) کم هزینه ترین برنامه غذایی است و ماهانه با استفاده از داده های جمع آوری‌شده برای شاخص قیمت مصرف کننده (CPI: Consumer price index) محاسبه می‌شود (۵). پرداختن به مقرون به صرفه بودن یک رژیم غذایی سالم از طریق سیاست هایی که درآمد کافی را برای همه در نظر می گیرند، از نظر مقابله با ناامنی غذایی بسیار مهم است و کفایت سیاست های حمایت اجتماعی، مانند برنامه های حمایت از درآمد و حداقل دستمزد، می تواند با در نظر گرفتن مقرون به صرفه بودن یک رژیم غذایی سالم مورد ارزیابی واقع شوند(۶). در برخی از کشورها مانند کشورکانادا، نظارت بر هزینه و مقرون به صرفه بودن یک رژیم غذایی سالم توسط سطوح مختلف دولت، سازمان‌های غیردولتی، محققان و سایر ذی‌نقشان با استفاده از ابزار نظرسنجی استاندارد انجام می‌شود و در مقابله با پیامدهای ناامنی غذایی به کار می‌رود (۷). بنابراین،در تدوین سبدهای غذایی، عواملی مانند تغذیه، اثرات زیست محیطی، ترجیحات فرهنگی و قیمت مواد غذایی در نظر گرفته می‌شود (۸).

هزینه مواد غذایی در سبد غذایی مقرون به‌صرفه متناسب و مرتبط با درآمد فرد یا خانوار می‌باشد و اجرایی شدن آن با هماهنگی ذی‌نقشان و بسته به شرایط و سیاست های موجود متفاوت است(۹). برای نمونه، در استان انتاریو کانادا، ابزار سبد غذایی مغذی توسط واحدهای سلامت عمومی به منظور حمایت از عدالت در سلامت به کار گرفته شد، اما میزان موفقیت و کاربرد آن وابسته به عواملی مانند رهبری قوی و تعامل مؤثر با سازمان‌های مرتبط بود در مقابل در کشور قبرس، یک سبدغذایی قابل قبول و مقرون به صرفه برای انواع مختلف خانوارها توسعه داده شده است، اما بعدا مشخص شد که این سبدغذایی برای خانواده های کم درآمد مناسب نمی‌باشد (۱۰). سبد غذایی فعلی در روسیه نیازهای تغذیه ای را برآورده نمی کند و شامل عدم تعادل در بعضی از مواد مغذی است که نیاز به بازبینی در آن را ضروری می سازد (۱۱). علاوه بر موارد ذکر

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

شده در برخی دیگر از کشورها، از جمله ایرلند نیز هزینه حداقل سبد غذایی ضروری برای تشخیص فقر غذایی و مسائل مربوط به دسترسی غذا تعیین شده است (۱۲). برای سیاست گذاران نیز تشخیص لزوم استفاده از برنامه های غذایی مقرون به صرفه در خانوار ها مهم است چراکه درآمد ناکافی خانوار و سیاست های حداقل درآمد نامناسب می تواند به ناامنی غذایی مربوط به درآمد بیانجامد (۱۳).

در طراحی سبدهای غذایی توجه به ابعاد رژیم غذایی پایدار نیز حائز اهمیت است ، زیرا این اقدامات می‌توانند عدالت تغذیه‌ای را برای گروه‌های آسیب‌پذیر تامین کرده و از تنوع زیستی از طریق حفاظت منابع طبیعی مراقبت کنند (۱۴). این روند، ذی‌نقشان متعدد، از جمله سیاست‌گذاران، کشاورزان، تولیدکنندگان و سازمان‌های محیط زیستی را درگیر می‌کند که از طریق تدوین سیاست‌های حمایتی، ایجاد مشوق‌های اقتصادی و ارتقاء همکاری بین‌بخشی، نقش کلیدی در تحقق اهداف پایداری ایفا می‌نمایند. در نتیجه، برنامه‌ریزی نظام‌های غذایی با تمرکز بر تغذیه ی جمعیت رو به رشد، حفاظت از منابع طبیعی و حفظ تنوع زیستی در اولویت قرار می‌گیرد (۱۵).

تحلیل ذی نقشان به عنوان یکی از مراحل اساسی در تهیه و تدوین سبدهای غذایی پایدار و مقرون به صرفه می تواند در تعیین و انتخاب های غذایی افراد جامعه کمک کننده باشد، زیرا در طی این مسیر موانع و فرصت های نهفته در هر سازمان ذی نقش علاوه بر قدرت، موضع و تاثیر آنها شناخته و بررسی می شوند(۱۶). با استفاده از سبد غذایی، می توان الگوهای غذایی مردم را هماهنگ و متعادل نمود و به بهبود امنیت غذایی کمک کرد(۱۷)، با این حال، اطمینان از این که طراحی سبدهای غذایی نیازهای مرتبط با سلامتی را برآورده می کنند و تغذیه متعادل را ارتقا می دهند، از اهمیت بالایی برخوردار است، فرآیند تحلیل ذی نقشان برای سیاست گذاران و مدیران این امکان را فراهم می سازد تا به طور مؤثرتری با بازیگران کلیدی تعامل داشته باشند و از برنامه مورد نظرحمایت کنند. به علاوه، از این اطلاعات می توان به عنوان اطلاعات پایه برای تحلیل برنامه های دیگر نیز بهره برد. سیاستگذاران و مدیران باید از اطلاعات تولید شده توسط تجزیه و تحلیل ذی نقشان برای توسعه و اجرای برنامه های ارتباطی و راهبردی، حمایت و مذاکره یا برگزاری کارگاه های اجماع سازی استفاده کنند. از این رو تحلیل ذی نقشان قبل از پیاده سازی یک برنامه به سیاست گذاران و مدیران این امکان را می دهد که به شناخت و اقدام در مورد سوءتفاهم ها در مورد مخالفت با سیاست مورد نظر بپردازند.

هنگامی که از تحلیل ذی نقشان و سایر ابزارهای کلیدی به عنوان راهنما برای تدوین سیاست استفاده می شود، احتمال موفقیت برنامه نیز بیشتر خواهد شد به طور مثال در کشورکانادا، سیستم های حمایتی از سلامت به تغییر عوامل بالادستی مرتبط با تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت می پردازند و به اهمیت مشارکت در فرآیندهای سیاست گذاری از جمله حمایت از امنیت غذایی تاکید دارند. از جمله ابزارهای حمایتی مهم در این خصوص سبد غذایی مغذی ملی است که امکان اندازه‌گیری هزینه یک رژیم غذایی سالم و مقایسه آن با دیگر راهنماهای رژیمی را در دسترس سیاست گذاران قرار می دهد. در مواردی که در تصمیم گیری های مرتبط با طراحی و تدوین سبدهای غذایی شاهد عدم قطعیت بالا، اولویت‌های رقابتی و تضاد منافع میان ذی نقشان هستیم، ضرورت وجود یک برنامه‌ریزی مشترک و تصمیم‌گیری مشترک احساس می شود (۱۸). بنابراین هماهنگی بین ذی نقشان و بیان نقطه نظرات و پیشنهادات آنها می تواند عامل مهمی در تصمیم گیری های فرابخشی در شرایط و موقعیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناپایدار محیطی باشد (۱۹). این امر به جلوگیری از واکنش های منفی، رقابت و درگیری بین بخشی و فرابخشی کمک می کند؛ همچنین می‌تواند از ناهماهنگی‌ها، پراکندگی‌ها و تناقض‌ها جلوگیری کند (۲۰).

هدف این مطالعه، تحلیل ذی‌نقشان مؤثر در سیاست‌گذاری سبدهای غذایی مطلوب، مقرون‌به‌صرفه و پایدار در ایران در سال ۱۴۰۲ است. در این راستا، این مطالعه در قالب یک پژوهش کیفی به بررسی ویژگی‌های بازیگران کلیدی، میزان آگاهی آن‌ها از خط‌مشی‌های تغذیه‌ای، منافع مرتبط با سیاست، موضع موافق یا مخالف نسبت به آن، و توانایی تأثیرگذاری‌شان بر فرآیند سیاست‌گذاری (از طریق قدرت و رهبری) پرداخته است. این موضوع در شرایطی اهمیت دارد که افزایش قیمت مواد غذایی، کاهش قدرت خرید مردم و تحریم‌های اقتصادی، مدیران و سیاست‌گذاران را با چالش‌هایی در تعیین سبدهای غذایی پایدار و در عین حال مقرون‌به‌صرفه روبه‌رو کرده است (۲۱) .

• مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر، یک مطالعه کیفی است که جامعه مورد مطالعه آن مدیران، سیاستگذاران، پژوهشگران و افراد دانشگاهی مطلع، کارشناسان و مسئولین سازمان ها و موسسات مختلف مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان هدفمندی یارانه ها، کمیته امداد امام خمینی، دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی و اجرایی است که به نحوی در برنامه مذکور نقش

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

داشتند. تحلیل ذی نقشان سبدهای غذایی مطلوب پایدار و مقرون به صرفه ایران بر اساس راهنمای تحلیل ذی نقشان اشمیر (Schmeer) که توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) برای تحلیل ذی نقشان توصیه شده است (۲۲)، انجام شد. فهرستی از ذی نقشان اولیه از طریق همفکری و مشورت با خبرگان و کارشناسان مطلع و همچنین مطالعه منابع و اسناد تهیه شد. پس از شناسایی ذی نقشان اولیه، ذی نقشان کلیدی با کمک کارشناسان حوزه طراحی و تدوین سبدهای غذایی و همفکری گروه پژوهش انتخاب شدند. فهرست به شکل باز تنظیم شد تا اگر در طول تکمیل پرسشنامه مربوطه، شرکت کنندگان ذی‌نقش دیگری را در این سیاست شناسایی کردند، به فهرست اضافه شود. با گذشت زمان، با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی، مصاحبه ها تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت.

جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختار یافته انجام گرفت. راهنمای مصاحبه و فرآیند مطالعه بر پایه اهداف مطالعه و با استفاده از مدل اشمیر طراحی شد. راهنمای طراحی شده برای مصاحبه شامل یک بخش مقدماتی بود که هدف مصاحبه، مشخصات افرادی که اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند و نحوه استفاده از اطلاعات در آن ذکر شده بود (پیوست شماره ۵). سوالات جهت سنجش میزان دانش و آگاهی (سطح آگاهی ذی نقش از سیاست مورد نظر و اینکه چگونه سیاست مورد نظر را تعریف می کند)، علاقه (علاقه ای که ذی نقش به سیاست دارد یا مزایا و معایبی که اجرای سیاست ممکن است برای ذی نقش یا سازمان او به همراه داشته باشد)، موضع (وضعیت ذی نقشان به عنوان حامی یا مخالف سیاست)، منابع (انسانی، مالی، فناوری، سیاسی و غیره) و قدرت (توانایی ذی نقشان برای تأثیرگذاری بر اجرای سیاست به دلیل قدرت یا نیرویی که دارد) طراحی شد. پس از تدوین راهنمای مصاحبه، سوالات توسط پنل متخصصین با تجربه در تجزیه و تحلیل ذی نقشان بازبینی و تأیید شد. مصاحبه‌ها توسط دو نفر از پژوهشگران (دانشجویان دکترای سیاست‌های غذا و تغذیه)، به‌صورت چهره‌به‌چهره، تلفنی یا از طریق اسکایپ و با هماهنگی قبلی در ساعات کاری صورت گرفت.

قبل از انجام مصاحبه، اطلاعات لازم در خصوص مطالعه و اهداف آن به شرکت کنندگان داده شد و رضایت آگاهانه از آنها به صورت شفاهی اخذ شد. علاوه بر این، به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه می ماند و داده های مطالعه به صورت ناشناس تجزیه و تحلیل خواهند شد. با کسب اجازه از مشارکت کنندگان در طی مصاحبه، ضبط و یادداشت برداری هم انجام شد. بلافاصله پس از مصاحبه، پاسخ های ذی نقشان برای هر سوال تایپ و پیاده سازی شد. یک فایل الکترونیکی جداگانه برای هر ذی نقش ایجاد شد که حاوی پرسشنامه و پاسخ او به هر سوال بود. با توجه به اینکه برخی افراد از سازمان های مختلف مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، جامعه کارگری، دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت و برخی دانشگاه ها به دلایل مختلف حاضر به همکاری و یا شرکت در مصاحبه نشدند، در نهایت ۲۰ مصاحبه به مدت ۳۰ تا ۹۰ دقیقه از دی ماه ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ انجام گرفت.

تجزیه و تحلیل داده ها

کدگذاری از همان مصاحبه های اولیه شروع شد و هر کدام از مصاحبه ها به صورت جداگانه کدگذاری شد. نتایج مربوط به پاسخ های ذی نقشان در مورد آگاهی، علاقه، موضع، منابع و قدرت از کدها استخراج و به جدول ذی نقشان منتقل شد. در تحلیل محتوا از رویکرد قیاسی و استقرایی استفاده شد. ابتدا کدهای اولیه (باز) در قالب نقل قول های مستقیم مشارکت کنندگان ایجاد شد؛ سپس این کدهای اولیه (باز) از لحاظ مفهومی با سایر کدها مقایسه شده و کدهایی که مفاهیم مشترک داشتند، در کنار یکدیگر قرار گرفته و با ایجاد طبقات فرعی، کد گذاری محوری انجام گرفت. طبقاتی که می توانستند در زیر مجموعه طبقه دیگری قرار بگیرند در کنار یکدیگر و در زیر مجموعه یک طبقه اصلی دیگر قرار گرفتند. به منظور قابلیت اعتبار یافته‌ها زمان کافی برای تجزیه و تحلیل داده ها در نظر گرفته شد. فرآیند کدگذاری به‌صورت مستقل توسط دو پژوهشگر اصلی (دانشجویان دکترای سیاست‌های غذا و تغذیه) انجام شد؛ به این صورت که هر پژوهشگر به‌تنهایی و بدون اطلاع از کدهای استخراج‌شده‌ی دیگری، متن مصاحبه‌ها را کدگذاری کرد. پس از پایان کدگذاری، کدها با یکدیگر مقایسه شدند و در مواردی که اختلاف یا تناقض میان کدها مشاهده شد، موضوع در جلسات مشترک مورد بحث قرار گرفت. سپس کدهای نهایی با نظر فرد سوم (عضو هیئت علمی انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای) بررسی و با گفت‌وگوی گروهی، اجماع نهایی حاصل شد. همچنین پس از انجام و تجزیه و تحلیل سه مصاحبه اول، تیم پژوهشی راهنمای مصاحبه را از نظر جامعیت و شفافیت سؤالات مجدداً بررسی کردند.

به طور خلاصه، مراحل اصلی تجزیه و تحلیل ذی نقشان در طرح مورد نظر شامل شناسایی ذی نقشان کلیدی، تطبیق ابزارهای مناسب جهت انجام مطالعه مورد نظر، جمع آوری و ثبت اطلاعات، کد گذاری و طبقه بندی داده های کیفی تکمیل جدول ذی نقشان و در نهایت تجزیه و تحلیل و تفسیر این جدول بود. در تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

نسخه ۲۰۲۰ استفاده شد. با توجه به پروتکل راهنمای اشمیر در مطالعات تحلیل ذی نفشان، موقعیت ذی نفشان بر اساس سطح قدرت و موضع آنها طبقه بندی شده اند. به طور کلی در این طبقه بندی، ویژگی هایی همچون قدرت نسبی ، اهمیت و تأثیر هر یک از ذی نفشان ، منافع یا نقش های متعدد یک ذی نقش، میزان آگاهی، دانش و نوع موضع ذی نفشان که می تواند از حمایتی تا ممانعتی متغیر باشد، مورد تحلیل قرار می گیرد. در خصوص موقعیت ذی نفشان در هر کدام از ابعاد ذکر شده با توجه به راهنمای پروتکل اشمیر امتیاز دهی یا رتبه بندی انجام شده است؛ به طور مثال، در مورد سطح دانش ذی نفشان پاسخ های داده شده با توجه به سوالات موجود در راهنمای مصاحبه از ۱ تا ۳ رتبه بندی شده است (۳ = زیاد، ۲ = متوسط و ۱ = کم). سطح قدرت که به توانایی ذی نفشان برای تأثیرگذاری بر اجرای سیاست تعریف می شود و معیار آن طبق پروتکل راهنمای اشمیر ترکیبی از مقدار منابعی که یک ذی نفش در اختیار دارد و ظرفیت او برای بسیج کردن آن منابع است، با توجه به سوالات موجود در راهنمای مصاحبه از ۱ تا ۳ طبقه بندی شده است (۳ = قدرت بالا، ۲ = قدرت متوسط و ۱ = قدرت کم). در خصوص موضع ذی نفشان نیز با توجه به پروتکل راهنمای اشمیر، ذی نفشانی که با اجرای سیاست موافق هستند، حامیان و کسانی که با این سیاست مخالف هستند، مخالفان محسوب می شوند؛ لذا با توجه به موارد ذکر شده در این مطالعه موضع حامیان را از حمایتی، تا حدودی حمایت کننده، تا حدودی ممانعت کننده و ممانعت کننده) تقسیم بندی کرده و با توجه به پاسخ سوالات مرتبط با موضع ذی نفشان در راهنمای مصاحبه به آنها امتیاز داده شد.

• یافته‌ها

در جدول ۱ مشخصات سازمان های ذی نقش شرکت کننده در طرح حاضر آورده شده است. ذی نفشان در دو سطح ملی یا منطقه ای شناسایی شدند. موضع ذی نفشان به سه دسته حمایتی، تا حدودی حمایت کننده یا ممانعت کننده، و ممانعت کننده آورده شده است. همچنین قدرت و علاقه ذی نفشان در سه طبقه بندی زیاد، متوسط تا کم مورد تحلیل قرار گرفت. ذی نفشان اصلی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، در انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور و دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی (دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، کمیته امداد امام خمینی، سازمان هدفمندسازی یارانه ها، موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (اداره کل روابط کار و جبران خدمت) مشغول به فعالیت بودند. فهرست سازمان های ذی نفش برنامه اشاره شده توسط مشارکت کنندگان در پیوست شماره ۱ و ویژگی ها و کاربرد طرح تدوین سبدهای غذایی مطلوب و مقرون به صرفه پایدار ایران ۱۴۰۲ از دیدگاه ذی نفشان در پیوست شماره ۲، نقاط قوت و نقاط ضعف و تهدید سبد غذایی از دیدگاه ذی نفشان نیز به ترتیب در پیوست شماره ۳ و۴ آورده شده است.

تحلیل میزان دانش و آگاهی ذی نفشان

در شکل ۱، دفتر بهبود تغذیه جامعه و سازمان های علمی و دانشگاهی مانند انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور و دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی شهید بهشتی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد، موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان هدفمندسازی یارانه ها و دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، میزان آگاهی بالایی به تدوین این سیاست داشتنددانشگاه علوم پزشکی تهران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان های حمایتی از جمله کمیته امداد امام خمینی در حوزه مورد نظر دارای آگاهی متوسط بودند. اولویت دادن و پرداختن به موضوعات دیگر از جمله وظایف مرتبط با سازمان از عوامل پایین بودن آگاهی در این زمینه عنوان شد. به طور مثال در یکی از مصاحبه ها یکی از شرکت کنندگان شاغل در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این چنین بیان می کند:

"بینید وزارت خانه ما در واقع یک بازوی ستادی است، نیروی انسانی ما در دفتر پایگاه اطلاعاتی ایرانیان است که اگه همکارامون کمک کنن و داده ها رو تمیز کنن و در واقع آزمون وسیع انجام بدن که مثلا کی استحقاق اینو داره که حالا تحت پوشش قرار بده، ولی اینکه فکر کنین ما کار خاصی رو می تونیم یا در واقع نیروی خاص اجرایی داشته باشیم نه ما نداریم". (شرکت کننده ۱۲).

مطابق گفته این شرکت کننده، برنامه سبد مطلوب غذایی ۱۴۰۲ در میان مدیران رده بالای این سازمان ها اولویت ندارد؛ زیرا به دلیل کمبود بودجه و امکانات مالی عملا امکان اجرایی شدن آن در جامعه وجود ندارد. اما با وجود بیانات ذکر شده در این مطالعه هیچ سازمان یا ذی نقشی با میزان علاقه کم یافت نشد.

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

جدول ۱. سازمان های ذی نقش و مشخصات آنها از دیدگاه شرکت کنندگان

ذی نقش	تعداد افراد مصاحبه شده	سطح (ملی یا منطقه ای)	موضع (حمایتی، تا حدودی حمایت کننده یا ممانعت کننده، ممانعت کننده)	قدرت (زیاد، متوسط، کم)	علاقه (زیاد، متوسط، کم)	منابع		ملاحظات در مورد نقش و نقاط قوت ذی نقش
						مالی	انسانی	
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور و دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی)	۶	ملی	حمایتی	زیاد	زیاد	✓	✓	قطب تحقیقات تغذیه ای در سطح کشور، بازوی علمی و پژوهشی حفظ سلامت در جامعه، جزء متولیان اصلی تدوین سبد غذایی مطلوب ایرانیان، انجام کارهای علمی و ارتباط با سایر سازمانها، متولی بررسی الگوی مصرف جامعه ایرانی، همکاری همه جانبه با وزارت بهداشت (دفتر بهبود تغذیه)، ناظر در جلسات موج وزارتخانه
دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت	۲	ملی	حمایتی	زیاد	زیاد		✓	متولی اصلی طراحی و تدوین سبد و بازوی اصلی سیاستگذاری طرح سبد
دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی	۲	ملی	حمایتی	متوسط	متوسط	✓	✓	نظارت، سیاستگذاری و تسهیلگری در همکاری های بین بخشی، کمک به برنامه سبد و جلب حمایت، هماهنگی و دعوت از سایر سازمانهای ذی نقش جهت برقراری همکاری های فرابخشی و اتخاذ تصمیمات عملکردی
وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی (اداره کل روابط کار و جبران خدمت، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، دفتر امور حمایتی و توانمندسازی)	۱	ملی	تا حدودی حمایت کننده	متوسط	متوسط	✓	✓	سیاستگذاری، تعیین خط فقر در افراد نیازمند و شناسایی گروههای ویژه، همکاری و حمایت همه جانبه با سازمان برنامه و بودجه
کمیته امداد امام خمینی	۲	ملی	حمایتی	کم	متوسط		✓	حمایت از افراد نیازمند دارای سوء تغذیه و تامین اعتبار سبد غذایی در حد توان و متناسب با اعتبارات، اجرای طرح حمایتی مشارکتی با وزارت بهداشت، شناسایی افراد نیازمند در تمام نقاط ایران
دانشگاه علوم پزشکی تهران	۱	منطقه ای	حمایتی	متوسط	متوسط		✓	نظارت و شرکت در جلسات، امور پژوهشی و علمی
دانشگاه علوم پزشکی مشهد	۱	منطقه ای	تا حدودی حمایت کننده	متوسط	زیاد		✓	تحقیق و آموزش
سازمان هدفمندسازی یارانه ها	۱	ملی	تا حدودی حمایت کننده	متوسط	متوسط		✓	جهت دهی یارانه ها و امکان تخصیص بیشتر به گروه های هدف و نیازمند مرتبط با طرح سبد غذایی، شناسایی افراد واجد شرایط گرفتن یارانه ها
موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی	۳	ملی	تا حدودی حمایت کننده	متوسط	متوسط		✓	سیاستگذار و خط مشی گذار بخش کشاورزی، آموزش، پژوهش و مشاوره و کمک به سیاست گذاری در حوزه غذا و کشاورزی، مسئول دسترسی فیزیکی و اقتصادی و سلامت غذا در جامعه و دارای نقش اصلی در بحث پایداری، نماینده جهاد کشاورزی در جلسات مربوط به طراحی سبد غذایی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی	۱	ملی	حمایتی	کم	متوسط		✓	استفاده از تمام ظرفیت های کشور در تدوین سند ملی امنیت غذایی

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

میزان دانش و آگاهی		
گروه اول: کم	گروه دوم: متوسط	گروه سوم: زیاد
	دانشگاه علوم پزشکی تهران	**انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور**
		دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
	وزارت تعاون، کار و رفاه و امور اجتماعی	**دفتر بهبود تغذیه جامعه (وزارت بهداشت)**
	سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی	**دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی**
	کمیته امداد امام خمینی	**دانشگاه علوم پزشکی مشهد**
		موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی
		سازمان هدفمندسازی یارانه ها

شکل ۱. دانش و آگاهی ذی نقشان سبدهای غذایی مطلوب و مقرون به صرفه پایدار برای جامعه ایرانی-۱۴۰۲

-تحلیل میزان قدرت و موضع:

در شکل ۲ با توجه به راهنمای پروتکل اشمیر و امتیاز بندی پاسخ سوالات مرتبط با قدرت و موضع در ذی نقشان، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور و دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با توجه به موضع حمایتی خود از قدرت بالایی نسبت به ذی نقشان دیگر برخوردار بودند. از آنجایی که دفتر بهبود تغذیه جامعه به دلیل نقش حساس خود در وزات بهداشت خود را به عنوان ذی نقش اصلی و متولی طرح سبد غذایی مطلوب می داند و از منابع انسانی و مالی بالاتری هم برخوردار است، با داشتن قدرت بالاتر نسبت به ذی نقشان دیگر نقش مهم تری در تصمیم گیری برای تدوین سبد و سیاست گذاری های مربوط به آن در آینده ایفا می کند. انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور نیز به عنوان قطب علمی و بازوی پژوهش تغذیه‌ای و به دلیل نقش مهمی که به واسطه برخورداری از اساتید و خبرگان در زمینه غذا و تغذیه دارد، از قدرت بالایی در این برنامه برخوردار بود. دانشگاه علوم پزشکی تهران با توجه به موضع حمایتی خود از قدرت متوسطی نسبت به دیگر ذی نقشان برخوردار بود. عوامل متعددی مانند انجام امور مربوط به تخصص خود و اولویت دادن به آنها نسبت به مسائل دیگر در دانشگاه، اختصاص ندادن بودجه مناسب به ذی نقشان مربوطه برای حمایت بیشتر، تضاد منافع با متولیان این امر و داشتن دیدگاه ها و رویکردهای مختلف با متولی اصلی از دلایل قدرت متوسط این دانشگاه از دیدگاه ذینقشان آن ذکر شده بود. علاوه بر این دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذا با توجه به موضع حمایتی خود از قدرت متوسط برخوردار است و ذی نقشان دیگری همچون سازمان هدفمندی یارانه ها، موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی و در نهایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز با توجه به موضع تا حدودی حمایت کننده ای که در این طرح دارند، از قدرت متوسطی به نسبت سایر ذی نقشان برخوردار می باشند. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی و کمیته امداد امام خمینی از جمله ذی نقشانی بودند که در این طرح با وجود موضع حمایتی خود از قدرت پایین تری نسبت به دیگران برخوردار بودند. از جمله عوامل دخیل در این خصوص را می توان به نبود منابع مالی و انسانی موجود در این سازمان ها، فقدان ساختار لازم برای حمایت طلبی، عدم توجه به نظرات آنها توسط ذی نقشان دیگر، تضاد منافع و دیدگاه ها و رویکردهای متفاوت این سازمان ها و مخالفت آنها با اجرایی شدن برنامه سبد غذایی مطلوب ۱۴۰۲ با توجه به بودجه اختصاص یافته توسط دولت و ارائه سبدهای مختلف از طریق سازمان خود دانست.

هیچ کدام از ذی نقشان حاضر در موضع ممانعت کننده قرار نگرفتند و این حاکی از علاقه و حمایت ذی نقشان از برنامه تدوین و بازنگری سبد غذایی مطلوب سال ۱۴۰۲ است، زیرا که ذی نقشان تا حد زیادی دغذغه تامین نیازهای تغذیه ای برای جامعه ایرانی را داشته اند، اما به دلایل مختلف سازمانی همه ذی نقشان از قدرت یکسان جهت تصمیم گیری و فرآیند سیاست‌گذاری بهره مند نبوده اند.

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]



شکل ۲ . موقعیت ذی نقشان بر اساس سطح قدرت و موضع آنها بر پایه راهنمای اشمیر

جدول ۲ زمان مناسب از دیدگاه ذی نقشان جهت بازنگری سبد غذایی را نشان می دهد. با توجه به زیر طبقات مطرح شده توسط ذی نقشان، تعداد بیشتری از آنها به بازه زمانی هر ۵ سال یکبار جهت به روز رسانی سبد تاکید داشتند و این بازه زمانی را مناسب تر دانسته اند. بازنگری سبد غذایی مطلوب ۱۴۰۲ باچالش هایی هم روبرو بود؛ به طور مثال :

" ما الان تغییرات اقلیمی داریم و بیماری های ناشناخته ای مثل کرونا هستن. که هم شرایط اقتصادی نامناسبی داریم از سوی دیگر تورم ها رو داریم شاید روند ده ساله طولانی باشه و پنج سال یکبار به نظرم بهتره. ولی خب اون پنج سال هم باید بسترش آماده باشه به هر حال به یک جمع بندی برسیم که به طور مثال اگر پنج سال بعد نحوه کشتمون در وزارت جهاد کشاورزی تغییر پیدا کرد اون میگه که لزوم هست که این کار انجام بشه ولی اگه بگه من همچنان دارم روی محصولات آب برم کار می کنم و پایدار نیست روی یک محصولم باز هم شاید خیلی نتونیم روی این سرمایه گذاری کنیم بنابراین به نظرم پنج تا هفت سال خیلی معقول تر است از ده سال یک بار. و از همش بدتر عوض شدن دولت و مدیران مختلف است که این از همه بدتره و در سیاست گذاری تاثیر گذار است و هر مدیر جدید که وارد کار می شود سعی در به کرسی نشاندن حرف خود را دارد ."

و یا در نقل قولی دیگر از یکی از افراد سازمان هایی که در طبقه بندی ذی نقشان دارای قدرت بالا و موضع حمایتی است، چالش های مرتبط با بازبینی سبد غذایی را این چنین توصیف می کند:

" اگر تغییرات مثل تغییری است که از پارسال تا امسال اتفاق بیافته آن هم به این سرعت، واقعا باید سبد سال به سال تدوین بشود. اما اگر شرایط پایداری داریم، تغییرات زیادی از نظر معیشتی اتفاق نمی افتد چهار الی پنج سال یکبار کفایت می کند. در حال حاضر، حتی تغییرات اقلیمی هم در این سبد در نظر گرفتیم ".

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

جدول۲. فاصله زمانی مناسب برای بازنگری سبد غذایی و با توجه به دلایل زمینه ای از دیدگاه ذی نقشان

طبقه اصلی	زیر طبقه	دلایل/کدهای زمینه ای	مشارکت کنندگان
زمان مناسب جهت بازنگری سبد	۱۰ سال یک بار	باتوجه به تغییرات قیمت، جمعیت و روند بیماری ها	P1, P19
	۵ سال یک بار	به دلیل ثابت نبودن شرایط موجود، تغییر هرم جمعیتی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، حرکت به سوی پایداری و تغییرات زیست محیطی	P2, P17, P9, P8, P11, p6, P14
	۲ سال یک بار	باتوجه به تورم	P16
	هرسال	در صورت نیاز و با توجه به رشد قیمت ها	P3, p18, P14
	بازنگری با توجه به شرایط	بازنگری سبد با توجه به تغییرات قیمت و مصرف	P12
		بررسی دائمی و چندین بار در سال باتوجه به شرایط اقلیمی و تورم	P13, P5
		سبد باید تاب آور باشد تا نیاز به بازنگری نداشته باشد	P15
		در شرایط کنونی (عدم پایداری) تدوین سبد هر سال یکبار در صورت پایداری شرایط تدوین سبد چهار الی پنج سال یکبار	P7

• بحث

در این مطالعه، ذی نقشان کلیدی تدوین و طراحی سبدهای غذایی مطلوب و مقرون به صرفه ی پایدار شناسایی شده و میزان آگاهی و دانش و سطح قدرت و موضع هریک از آنها مورد تحلیل قرار گرفت. دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور و دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی با سطح دانش و آگاهی بالا، قدرت زیاد و موضع حمایتی شناسایی شدند، در حالی که نهادهایی نظیر وزارت تعاون و سازمان هدفمندی یارانه‌ها، دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی و سایر دانشگاهها با سطح قدرت متوسط و سایر سازمانها با قدرت پایین و موضع حمایتی قرار گرفتند. این تنوع نشان‌دهنده دیدگاه‌های متفاوت نهادهای اجرایی نسبت به سیاست سبد غذایی پایدار است.

همکاری چند جانبه ذی نقشان به استراتژی تلاش های چندجانبه بخش های مختلف مانند درمان، سلامت عمومی، خدمات اجتماعی برای رسیدگی به مسائل مربوط به سلامت جمعیت اشاره دارد (۲۳). ماهیت چند وجهی طرح سبد غذایی هم در مرحله تدوین و هم در مرحله اجرا اهمیت ارتباط بین متخصصان و ذی نقشان مختلف را دو چندان می کند؛ ارتباطی که نیازمند همکاری گسترده بین آنها می باشد. در طرح تدوین سبد غذایی چالش کلیدی هدف مشترک در سلامت جامعه یعنی تامین نیازهای مواد مغذی در جمعیت ایرانیان این است که چگونه سازمان ها، گروه ها و بخش های مختلف می توانند سهم معنی دار در رسیدن به این اهداف داشته باشند.

از آنجایی که هیچ سازمان یا اداره ای به تنهایی نمی تواند مشکل را حل کند، می توان گفت بخش های مختلف در سازمان ها از طریق هماهنگی بین وظایف و عملیات اجرایی به هم مرتبط هستند علاوه بر این عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، محیطی و بین بخشی نیز در ارتباط میان ذی نقشان در سازمان‌های مختلف تاثیر گذار هستند (۲۴, ۲۵). یک رویکرد سیستمی و تحلیلی از ذی نقشان مختلف مربوط به یک هدف مشترک می تواند درک بهتری از ساختارهای سازمانی ارائه دهد و تغییر به سمت رویکرد شبکه ای می تواند مزایای گسترده ای داشته باشد، در حقیقت تقویت همکاری بین ذی نقشان می تواند به عنوان یک عامل مهم در پیشبرد اهداف مد نظر نقش داشته باشد (۲۶). لذا این همکاری بین بخشی را در طرح حاضر می توان به عنوان یک ویژگی یا کاربرد در جامعه ایرانی در نظر گرفت. در نهایت، سیاستگذاران و مدیران ممکن است از نتایج این تحلیل در بحث‌های آزاد با ذی نقشان در تلاش برای ایجاد اجماع استفاده کنند. این مهم به ذی نقشان اجازه می‌دهد ببینند که نسبت به دیگران کجا هستند و بحث در مورد چگونگی رسیدگی به نگرانی‌های مخالفان را تشویق می‌کند(۲۱).

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

در این مطالعه، نقش فعال دفتر بهبود تغذیه جامعه در تدوین سبد غذایی و نیز نقش هماهنگ‌کننده شورای عالی سلامت و امنیت غذایی در تعاملات بین‌بخشی، مورد تأیید و تأکید قرار گرفت؛ مسئله‌ای که پیش از این نیز در برخی اسناد و گزارش‌های رسمی به آن اشاره شده بود، اما در این پژوهش بر اساس تحلیل دیدگاه ذی‌نقشان، به‌صورت ساختاریافته تحلیل شد. همچنین میزان آگاهی کمتر برخی سازمانها درمورد این سیاست، نیازمند مداخله مناسب جهت ارتقاء سطح دانش و آگاهی ایشان است تا بتوان با همکاری همه سازمانهای ذی نقش، نگاه چندبخشی به موضوع داشت. در کشور استرالیا نیز که چندین سبد غذایی سالم و مغذی در قسمت های مختلف آن طراحی شده است، دپارتمان های سلامت ایالتی و پژوهشگران دانشگاهی نقش اصلی را در طراحی داشته اند. بعنوان مثال در طراحی سبد غذایی سالم Illawarra (جنوب سیدنی)، دانشگاه منطقه با همکاری کارشناسان تغذیه و پژوهشگران متولی اصلی طراحی بوده اند (۲۷). در آفریقای جنوبی نیز سبدغذایی با ۲۸ قلم غذایی توسط انجمن ملی بازاریابی کشاورزی با حمایت وزارت بهداشت طراحی و تدوین شده است (۲۸). اما در خصوص حمایت مالی در اجرای سبد، ذی‌نقشان اشاره شده در مطالعه به تنهایی قادر به ایفای نقش نیستند و نیازمند نقش فعال سایر سازمان های حمایتی از قبیل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین نهادهای حمایتی دیگر می باشند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و کمیته امداد بیشتر از سایر ذی‌نقشان در تهیه اقلام غذایی موجود در سبد و حتی میزان آن برای تامین نیازهای مواد مغذی در جامعه کم درآمد دخیل هستند، اما در این مورد با چالش های مهمی از جمله کمبود بودجه و هزینه تامین اقلام سبدغذایی روبه رو بودند. چالش های مطرح شده از سوی سازمان های حمایتی در این پژوهش کیفی با پژوهش سبدهای غذایی مطلوب در استرالیا می تواند تا حدودی هم راستا باشد؛ سبدهای غذایی سالم ممکن است به طور کامل نشان دهنده میزان هزینه، در دسترس بودن و کیفیت غذا در سبد نباشد، زیرا برخی از خانواده ها ممکن است از فروشگاه های مستقل خرید کنند. علاوه بر این ممکن است که قیمت مواد غذایی تازه و سالم در طول سال نوسان قابل توجهی داشته باشد (۲۹). همچنین دو پنجک پایین درآمدی از جمعیت کشور تانزانیا، که هزینه حداقل سبد غذایی ماهانه در آن بیش از ۵۰٪ متوسط درآمد ماهانه است، با مشکلات احتمالی دسترسی به سبد غذایی مواجه هستند و این چالش مهمی را برای سیاستگذاران در زمینه غذا فراهم کرده است. علاوه بر این هزینه سبد غذایی در دو منطقه جغرافیایی مختلف در این کشور متفاوت است و در بعضی از مناطق جغرافیایی هزینه سبد بالاتر می رود و عملا به دلیل تفاوت در هزینه ها دسترسی برای دهک های پایین تر به مراتب دشوار تر خواهد شد (۳۰). در جامعه ایرانی با وجود علاقه و حمایت کافی از طرف بعضی از سازمان ها باز هم شاهد هماهنگی بین آن سازمان با دیگر ذی نقشان و سازمان های وابسته به آنها نبودیم؛ به طور مثال از دیدگاه ذی نقشان وزارت بهداشت به عنوان یک نهاد کلیدی در این طرح مشغول به فعالیت است؛ اما از قدرت و اختیار کافی برای تأثیرگذاری بر سایر ذی نقشان و بسیج کردن و هماهنگی با آنها برخوردار نیست. بنابراین دولت باید نقش و جایگاه وزارت بهداشت را به عنوان نهاد اصلی مدیریت سلامت به ویژه در حوزه غذا و تغذیه تقویت کند. در این صورت، وزارت بهداشت می تواند رهبری و هماهنگی بیشتری را انجام دهد.

در مورد بازبینی طرح سبد غذایی مطلوب ۱۴۰۲ تقریبا بسیاری از ذی نقشان بر این باور بودند که طرح سبد غذایی به دلیل شرایط ناپایدار اجتماعی از قبیل تحریم و گران شدن قیمت مواد غذایی موجود در بازار و عوامل دیگری از جمله تغییرات اقلیمی به بازنگری های دوره ای از جمله بازنگری های دوره ای ۵ ساله و دوساله و در موارد کمتر سالیانه نیاز دارد. مطالعات نشان داده اند عوامل مختلف به ویژه تغییرات اقلیمی با تاثیر منفی بر تولید محصولات کشاورزی و افزایش وابستگی به تولید کنندگان محصولات خارجی منجر به ناامنی غذایی طولانی مدت در کشورهای کم درآمد می شود. حتی در کشورهای توسعه یافته صنعتی مانند سوئد نیز تغییرات اقلیمی علاوه بر ناامنی غذایی، چالش هایی را در سطح تجارت مواد غذایی به وجود آورده است در مطالعه ای دیگر در خصوص تغییرات شدید آب و هوایی در نپال نیز نوسانات در تولید محصولات غذایی، تاثیرات منفی بر اقلام مختلف سبد غذایی گذاشته است (۳۱). به طور کلی، یکی از چالش های مطرح شده

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

در تدوین سبدهای غذایی ۱۴۰۲ در ایران که بسیاری از ذی نقشان آن را به عنوان یکی از عوامل اصلی بازبینی سبد در طی سالیان اخیر مطرح کرده اند، تغییرات اقلیمی است که از این جهت هم راستا با بحران های ذکر شده در سایر نقاط دنیا می باشد.

مطالعات نشان می‌دهند که افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای تأثیرات منفی گسترده‌ای بر امنیت غذایی دارد؛ به طوری که تغییرات اقلیمی باعث کاهش بهره‌وری محصولات اساسی کشاورزی شده و در نتیجه، شیوع سوء تغذیه و بیماری‌های مرتبط افزایش می‌یابد (۳۲). یافته‌های حاصل از مصاحبه با ذی‌نقش‌های کلیدی در این مطالعه نیز تأیید می‌کند که کاهش بهره‌وری کشاورزی یکی از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت غذایی است و نیاز به راهکارهای سیاستی جهت تنوع بخشی به سبد غذایی و بهبود کشاورزی پایدار را برجسته می‌سازد (۳۳). علاوه بر این، تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع آب و انرژی، چالش‌های مهمی را در بخش کشاورزی ایجاد می‌کند که مستقیماً بر امنیت غذایی اثرگذار است. بر اساس تحلیل ذی‌نقش‌ها، طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌های استراتژیک، به‌ویژه در جهت کاهش وابستگی به واردات و تقویت تولیدات محلی، از ضرورت‌های اساسی است (۳۴).

بنابراین، یافته‌های این پژوهش تاکید می‌کنند که مقابله با پیامدهای تغییرات اقلیمی در بخش کشاورزی نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری هدفمند و توجه به ظرفیت‌های بومی است تا بتوان به بهبود امنیت غذایی و کاهش آسیب‌های ناشی از تغییرات محیطی دست یافت(۳۵). در مورد قیمت گذاری سبدهای غذایی از جمله سبد غذایی مقرون به صرفه اغلب باید از سیاست های کاهش قیمت و استراتژی های مداخله ای بهره برد. با این حال، قیمت گذاری مواد غذایی یک ساختار جهانی نیست و به شدت تحت تأثیر کشور و بافتار آن کشور است. روش‌های متعددی برای قیمت‌گذاری مواد غذایی توسعه داده شده‌اند، بنابراین داده‌ها همیشه قابل مقایسه نیستند و برای اطلاع از سیاست‌های مناسب ارزش محدودی دارند (۳۲). در تحلیل ذی نقشان طرح حاضر بحث قیمت گذاری سبد مواد غذایی با توجه به افزایش تورم مواد غذایی در سالهای اخیر در ایران به عنوان یکی از چالش های بسیار مهم توسط ذی نقشان مطرح و شناسایی شد. در مطالعه حاضر، ذی نقشانی که در سازمان های حمایتی مشغول به فعالیت بودند اکثرا بر این باور بودند که اقلام غذایی موجود در سبد غذایی در بسیاری از مواقع با بودجه تخصیص داده شده توسط دولت همخوانی ندارد و در بعضی از اقلام غذایی در نظر گرفته شده در سبد مطلوب باید بازنگری صورت بگیرد و اقلام غذایی جانشین با توجه به شرایط بودجه های مصوب شده و در نظر گرفتن تورم بازار در سبد غذایی قرار بگیرند. به طور کلی بحران های مالی منجر به ایجاد تغییراتی در سبد غذایی خواهد شد؛ از سوی دیگر ذی نقشان درگیر در تدوین و بررسی اقلام غذایی موجود درسبد جانشین کردن اقلام غذایی را امری چالش انگیز تلقی کرده اند؛ زیرا که ممکن است در مواردی جایگزین کردن مواد غذایی جانشین شده به جای درشت مغذی های اساسی و مورد نیاز بدن نتواند نیازهای اساسی افراد را به طور کامل تامین نماید.

مطالعات دیگری نیز با روش تحلیل ذی نقشان در خصوص چالش های مربوط به مواد غذایی انجام شده به عنوان مثال در بریتانیا نیز به منظور تحلیل فرآیند فقر غذایی از روش مشابه مطالعه حاضر استفاده شده است. در این مطالعه طیفی از ذی نقشان مانند سیاست‌گذاران، عوامل اجرایی کلیدی، کارکنان مرکز تامین اجتماعی، نمایندگان زیرگروه‌های مصرف‌کننده غذا، بانک مواد غذایی و نمایندگان صنوف توزیع غذا برای بررسی تعریف فقر غذایی و اینکه فقر غذایی باید شامل چه چیزی باشد، وارد روند مصاحبه شدند. یکی از چالش های تحلیل ذی نقشان در این طرح مقایسه واقعیت موجود با ادعای دولت در مورد عدم فقر غذایی در این کشور بوده است. با بررسی چالش ها و شکاف های موجود در تعریف فقر غذایی به یک مفهوم استاندارد جدید رسیدند که در روند تصمیم گیری ها کمک کننده بوده است (۳۳). در مطالعه دیگری در کشور دانمارک، تدوین و طراحی سبد های غذایی کم هزینه تر با استفاده از روش های برنامه ریزی خطی، مغذی بودن مواد غذایی و از نظر فرهنگی قابل قبول بودن در نظر گرفته شد.. لذا سیاستمداران می توانند از برنامه ریزی های مخصوص برای تهیه و تدوین سبد های غذایی کم هزینه تر و مقرون به صرفه تر بهره ببرند؛ چرا که استفاده از سیاست های به کارگیری سبدهای مقرون به صرفه تر به جلوگیری از کمبود ریزمغذی‌ها و بیماری‌های غیرواگیر مرتبط با رژیم غذایی با کمترین هزینه کمک می‌کند (۳۴).

از نقاط قوت این مطالعه، رویکرد کیفی آن در تحلیل دیدگاه‌های ذی‌نقشان کلیدی با استفاده از راهنمای اشمیر است که به‌صورت عمیق و نظام‌مند به ارزیابی سطح قدرت، علاقه و دانش هر ذی‌نقش در حوزه امنیت غذایی پرداخته است. این نوع تحلیل در مطالعات مشابه کمتر دیده می‌شود و به همین

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

دلیل مطالعه حاضر توانسته اطلاعات ارزشمندی در این حوزه ارائه کند؛ این مطالعه علاوه بر شناسایی چالش‌ها، فرصت‌ها و نیازهای بین بخشی، تصویری شفاف از نقش و جایگاه هر یک از ذی‌نقشان ارائه می‌دهد که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های آینده به منظور طراحی سیاست‌های مداخله‌ای، هدفمندتر و هماهنگ‌تر، بسیار مؤثر باشد. همچنین، نتایج آن برای توسعه سیاست‌های پایدار غذایی، کاهش وابستگی به واردات و تقویت تولید داخلی، بویژه در شرایط بحران، از اهمیت بالایی برخوردار است. از محدودیت‌های مهم مطالعه حاضر، وارد نکردن مردم در بخش مصاحبه و در نظر نگرفتن آنها به عنوان یک ذی‌نقش اصلی است. علت اصلی این مسئله، تمرکز مطالعه بر تحلیل سیاستی و تصمیم‌گیری کلان در سطح نظام سلامت و امنیت غذایی بود، که بیشتر متکی بر دیدگاه سیاست‌گذاران، مدیران و کارشناسان است. با این حال، در نظر گرفتن مردم می‌توانست دیدگاه‌های مکملی در خصوص چالش‌های واقعی دسترسی به غذا، ترجیحات غذایی و نیازهای سلامت‌محور جامعه فراهم کند، که توصیه می‌شود در مطالعات آینده مورد توجه قرار گیرد. مشارکت نکردن برخی ذی نقشان از جمله برخی از افراد از برخی سازمانها مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، جامعه کارگری، دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت و برخی دانشگاه ها ممکن است بر نتایج نهایی تاثیر گذار باشد؛ چرا که می توانست دید جامع تری نسبت به جایگاه ذی نقشان ارائه کند. اما بر تغییر جایگاه ذی نقشانی که در مطالعه شرکت کردند احتمالا تاثیر چندانی نمی توانست داشته باشد.

نتیجه گیری

در این پژوهش به ترتیب قدرت و تاثیرگذاری ذی نقشان و همچنین سطح آگاهی و دانش و موضع حمایتی یا ممانعت کننده آنها نسبت به سیاست سبد غذایی مطلوب و پایدار مورد بررسی قرار گرفت. سطح آگاهی و قدرت و موضع ذی نقشان می تواند نقش حیاتی در فرآیند تصمیم گیری داشته باشد و منجر به اتخاذ سیاست های کاربردی در راستای سلامت و برآوردن نیاز جامعه ایران به مواد غذایی سالم و کافی شود. با توجه به محدودیت های مطالعه پیشنهاد می شود در مطالعات بعدی سیاست های پایین به بالا بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. تجزیه و تحلیل ذی نقشان امکان شناسایی نهادها و گروه های ذی نقش را فراهم کرده و می تواند با مقایسه اقدامات در سطح برنامه ریزی استراتژیک، ایجاد سلسله مراتب در بین سازمان های ذی نقش، مقایسه قدرت تأثیر و علاقه آنها نسبت به انتظارات و نیازهای متقابل پاسخ گو باشد و در نهایت با پیش بینی و شناسایی احتمالات به عنوان راهنمای ایجاد روابط مؤثر در مجموعه ای از ارتباطات متقابل در نظر گرفته شود (۳۵).

تقدیر و تشکر

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت و انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور به دلیل حمایت مالی و معنوی از این پروژه ابراز می دارند. همچنین از نمایندگان محترم سازمان‌ها و نهادهای ذی‌نقش که تجربیات و نظرات سازنده و کارگشای خود را در طی مصاحبه ها ارائه فرمودند، سپاسگزاریم.

References

1. Castillo L, Rivas C. Costs of a basic food basket for celiac patients in Chile. Revista Medica de Chile. 2008;136(5):613-9.
2. pourghaderi M M-NF, Abdollahi * M, Houshiar -Rad * A, Khoshfetrat M, Esfarjani F, et al. . Optimal and Thrifty Sustainable Food Baskets of Iran-2023. Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology. 2024;19(1):1-16.
3. Fanzo J. Healthy and sustainable diets and food systems: the key to achieving Sustainable Development Goal 2? Food ethics. 2019;4(2):159-74.
4. Pourghaderi M, Mohammadi-Nasrabadi F, Takian A. From Scientific Evidence to Political Decisions: The Link between Nutrition Equity and Power Dynamics. Iranian Journal of Culture and Health Promotion. 2024;8(3):319-22.
5. Babatunde OT, Biediger-Friedman L, Elnakib SA, Henstenburg JA, Theuri S. An Informed Thrifty Food Plan. Journal of Nutrition Education and Behavior. 2022;54(4):285-6.
6. Eini-Zinab H, Sobhani SR, Rezazadeh A. Designing a healthy, low-cost and environmentally sustainable food basket: an optimisation study. Public health nutrition. 2021;24(7):1952-61.
7. Penne T, Goedemé T. Can low-income households afford a healthy diet? Insufficient income as a driver of food insecurity in Europe. Food Policy. 2021;99:101978.

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

8. Nathoo T, Shoveller J. Do healthy food baskets assess food security? Chronic Diseases and Injuries in Canada. 2003;24(2/3):65.

9. Chrysostomou S, Koutsampelas C, Andreou SN, Pittas C. The purchase of the Diabetic Healthy Food Basket in Cyprus results in cost savings: is it affordable among the low-income population? Public Health Nutrition. 2020;23(18):3409-16.

10. Bracci EL, Davis CR, Murphy KJ. Developing a Mediterranean Healthy Food Basket and an Updated Australian Healthy Food Basket Modelled on the Australian Guide to Healthy Eating. Nutrients. 2023;15(7):1692.

11. Santalova MS, Lesnikova E, Nechaeva S, Sadykova K, Nizovaya I, editors. Crisis of the consumer basket in Russia. The Future of the Global Financial System: Downfall or Harmony 6; 2019: Springer.

12. Power E, Belyea S, Collins P. "It's not a food issue; it's an income issue": using Nutritious Food Basket costing for health equity advocacy. Canadian Journal of Public Health. 2019;110:294-302.

13. Barrett CB, Lentz EC. Food insecurity. Oxford Research Encyclopedia of International Studies2010.

14. Kenny TA, Woodside JV, Perry IJ, Harrington JM. Consumer attitudes and behaviors toward more sustainable diets: a scoping review. Nutrition Reviews. 2023:nuad033.

15. Iannotti LL, Boshara AI, Barbieri WA, Fracassi P. Just change: Achieving sustainable, healthy diets with nutrition equity. One Earth. 2023;6(5):449-54.

16. White DD, Jones JL, Maciejewski R, Aggarwal R, Mascaro G. Stakeholder Analysis for the Food-Energy-Water Nexus in Phoenix, Arizona: Implications for Nexus Governance. Sustainability. 2017;9(12):2204.

17. Bhattacharya S, Chatterjee SM, Sachdev BK, Seth A. FOOD WASTE MANAGEMENT A ROADMAP TO REDUCE FOOD POVERTY AND FOOD LOST WITH RISE IN CLIMATE CHANGE AND POVERTY. Galaxy International Interdisciplinary Research Journal. 2021;9(10):536-43.

18. Turoff M. Past and future emergency response information systems. Communications of the ACM. 2002;45(4):29-32.

19. Islam K, Laskey A, Schwetschenau S, Sheppard R, Smith R, Sobeck J, et al. Crisis management of interdependent systems, communication and coordination: A perspective on medium-scale events. Journal of Contingencies and Crisis Management. 2023.

20. Migone AR. Trust, but customize: Federalism's impact on the Canadian COVID-19 response. Policy and Society. 2020;39(3):382-402.

21. Schmeer K. Stakeholder analysis guidelines. Policy toolkit for strengthening health sector reform. 1999;1:1-35.

22. Schmeer K. Guidelines for conducting a stakeholder analysis: PHR, Abt Associates Bethesda, MA, USA; 1999.

23. Riley WJ, Love K, Runger G, Shafer MS, Pine K, Mays G. Practice Full Report: Framework for Multisector Alignment Research. Journal of Public Health Management and Practice. 2021;27(5):E205.

24. Woulfe J, Oliver TR, Siemering KQ, Zahner SJ. Peer reviewed: Multisector partnerships in population health improvement. Preventing chronic disease. 2010;7(6).

25. Fawcett S, Schultz J, Watson-Thompson J, Fox M, Bremby R. Peer reviewed: Building multisectoral partnerships for population health and health equity. Preventing chronic disease. 2010;7(6).

26. Varvasovszky Z, Brugha R. A stakeholder analysis. Health policy and planning. 2000;15(3):338-45.

27. Williams P. Monitoring the affordability of healthy eating: a case study of 10 years of the Illawarra Healthy Eating Basket. 2010.

28. Vermeulen H, Meyer F, Schönfeldt HC. A basic healthy food basket approach to evaluate the affordability of healthy eating in South Africa and Kenya. Frontiers in Sustainable Food Systems. 2023;7:1181683.

29. Wong KC, Coveney J, Ward P, Muller R, Carter P, Verity F, Tsourtos G. Availability, affordability and quality of a healthy food basket in Adelaide, South Australia. Nutrition & dietetics. 2011;68(1):8-14.

30. Cochrane N, D'Souza A. Measuring access to food in Tanzania: A food basket approach. 2015.

31. Paudel M. Effect of climate change on food production and its implication in Nepal. Agronomy Journal of Nepal. 2010;1:40-9.

32. Seal J. Monitoring the price and availability of healthy food--time for a national approach? Nutrition & Dietetics: The Journal of the Dietitians Association of Australia. 2004;61(4):197-200.

33. Beacom E, Furey S, Hollywood LE, Humphreys P. Stakeholder-informed considerations for a food poverty definition. British Food Journal. 2021;123(2):441-54.

34. Parlesak A, Tetens I, Dejgård Jensen J, Smed S, Gabrijelčič Blenkuš M, Rayner M, et al. Use of linear programming to develop cost-minimized nutritionally adequate health promoting food baskets. PLoS one. 2016;11(10):e0163411.

35. Jepsen AL, Eskerod P. Stakeholder analysis in projects: Challenges in using current guidelines in the real world. International journal of project management. 2009;27(4):335-43.

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]

Stakeholder Analysis of Developing Desirable, Affordable, and Sustainable Food Baskets in Iran – 2023

Veysi Z[1], Shahrdami F[2], Mohammadi-Nasrabadi F[1], Abdolahi M[1], Hoshyar rad A[1], Pourghaderi M[3], Abdollahi Z[4], Dehghani A*[5]*

1- National Nutrition and Food Technology Research Institute,Faculty of Nutrition and Food Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

*2- *Corresponding author: Department of Community Nutrition, Faculty of Nutrition and Food Sciences, National Nutrition and Food Technology Research Institute, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email:*

3- Health equity Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4- Secretariat of the Supreme health and food Security Council, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran

*5- *Corresponding author: Micronutrient Research Center, Research Institute for Endocrine Disorders, Research Institute for Endocrine Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

Received 1 Jan, 2025 **Accepted 19 Aug, 2025**

Background and Objectives: Food baskets are used by policymakers as a reference for developing strategies to address food-related issues and to promote desirable dietary choices. Stakeholder analysis, as one of the fundamental steps in designing food baskets, can support advocacy efforts by both policymakers and the public. This is because, throughout the process, the hidden barriers and opportunities within each stakeholder organization—along with their power, position, and influence—are identified. This study aimed to identify the key stakeholders involved in the desirable, affordable, and sustainable food basket policy for Iranian society in 2023 (1402 in the Iranian calendar).

Materials & Methods: This was a qualitative study. Data were collected through in-depth semi-structured interviews. The interviews were analyzed using Maxqda10 software, 2020 version. Based on Schmeer's stakeholder analysis guideline, each stakeholder's level of knowledge and awareness, as well as their power, position, influence, and multiple interests or roles, were assessed.

Results: Among the stakeholders studied, the National Nutrition and Food Technology Research Institute, the School of Nutritional Sciences and Food Technology at Shahid Beheshti University of Medical Sciences, and the Community Nutrition Improvement Office at the Ministry of Health were identified as having high power and awareness, with a supportive stance toward policy formulation. The Secretariat of the Supreme Council of Health and Food Security and Tehran University of Medical Sciences held moderate power but also supported the policy. None of the stakeholders had low levels of knowledge or awareness, nor did any take an opposing stance. All had, in some form, supported the intended policy.

Conclusion: The findings of this study indicate that most key stakeholders in the fields of health and nutrition such as the National Nutrition Research Institute, the Community Nutrition Office of the Ministry of Health, and medical universities possess the power, knowledge, and supportive positions necessary to influence the development of desirable, affordable, and sustainable food basket policies. These results suggest that strategic stakeholder analysis prior to policy formulation can enhance inter-organizational coordination and increase the likelihood of policy success. Accordingly, it is recommended that policymakers integrate comprehensive stakeholder analysis into their decision-making processes before developing or revising food basket policies.

Keywords: Stakeholders, Desirable Food Basket, Affordable Food Basket, Sustainable Food Basket, Iran

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.61882/nsft.20.3.37]